

استناد به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قرن بیست و یکم

رها لوسین زهادی*

دیباچه

با شروع قرن بیست و یکم، نظاره‌گر سه فرآیند جهانی شدن، یکپارچگی و تجزیه و تلاشی جامعه بین‌المللی همگام با یکدیگر شده‌ایم. در این میدان ناهمگون، با این‌که اهمیت روزافزون نقش سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیر حکومتی، شرکت‌ها و گروه‌های فراملی به شکل قانونی و غیر قانونی آن و همچنین افراد یک واقعیت مسلم است، ولی دولت‌ها همچنان به عنوان سوژه برتر نظام بین‌الملل، بر تمرکزگرایی و انحصارطلبی اصرار می‌ورزند.

با تدوین مواد مربوط به مسئولیت دولت‌ها در رابطه با آسیب‌های وارده ناشی از اعمال خلاف بین‌المللی در اوت ۲۰۰۱^(۱) که مصادف با تاریخ تصویب و تأیید اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری صورت گرفته است، به طور عملی و رسمی خصوصیات دولت‌ها به

* دانشجوی دکترای حقوق بین‌الملل و دستیار ارشد هیأت تحریریه فصلنامه مطالعات بین‌المللی.

(rahazohadi@hotmail.com)

عنوان سوژه اصلی حقوق بین‌الملل عمومی و نیز اوصاف تعهدات آنها در روابط بین‌الملل تدوین شد. در همایشی که به منظور تجزیه و تحلیل جوانب مختلف این مجموعه قوانین برپا شد، حقوقدانان مختلف نظرات مستقل خود را مطرح نمودند. ادیث براون و ایس^۱ که عضو هیات تحریریه مجله آمریکایی حقوق بین‌الملل است، از جمله این حقوقدانان بوده که نظرات وی در جلد نهم شماره ۹۶ مجله مزبور در اکتبر ۲۰۰۲ به چاپ رسیده است.^(۲) وی به چند پرسش اساسی در این نوشتار پاسخ داده است: آیا رسالت کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، تنها تدوین حقوق موجود است؟ آیا نقش کمیسیون در رابطه با قطعنامه مجمع عمومی در این رابطه در سال ۱۹۵۶^(۳) تغییر و تطبیق حقوق کلاسیک یا سنتی با آنچه در حقوق بین‌الملل در گذر زمان اتفاق می‌افتد نبود؟ علاوه بر این، تکلیف کمیسیون مزبور تهیه و تنظیم قواعد ناظر بر مسئولیت دولت‌ها همسو با حقوق بین‌الملل به طور روزآمد بود یا خیر؟

برای بررسی موارد استناد به مسئولیت دولت‌ها، نویسنده با تاکید بر یک رشته گسترده از منابع، روایت مفصل و متقاعدکننده‌ای از سیر تاریخی شکل‌گیری مواد این کنوانسیون به دست می‌دهد. وی با تکیه بر رشد و توسعه مترقیانه حقوق بین‌الملل، تغییر و تحولات اخیر را در این زمینه به گونه‌ای مستند به تصویر می‌کشد. او در مقاله خود به این بحث می‌پردازد که در پرتو تحولات اخیر، تحلیل ضروری‌تری از اوضاع و احوال روابط بین‌الملل باید ارائه شود و در این رابطه به بازگویی بحث بر سر سوژه‌های جدید حقوق بین‌الملل می‌پردازد.

براون و ایس موضوع مقاله خود را در چهار قسمت مجزی بررسی نموده است. سعی و تلاش ما در این نوشتار این خواهد بود تا ضمن رعایت توالی مورد نظر وی، پس از ارائه جلوه‌ای از دیدگاه‌های نویسنده، پیامدهای طرح کنوانسیون مسئولیت بین‌المللی در زمینه قواعد مرتبط حقوق بین‌الملل را به طور مستند در خلال نظرات وی مورد بحث و کنکاش قرار دهیم.

1. Edith Brown Weiss

معنا و مفهوم مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، ناظر به رابطه متقابل میان دو عنصر مهم است. یکی اصل وفای به عهد^۱ و دیگری اصل لا ضرر. در رابطه میان این دو، در صورتی که دولتی مرتکب نقض یک قاعده حقوقی بین‌المللی بشود و اسباب ضرر و زیان را به دولت‌های دیگر و یا اتباع آنها فراهم نماید، در برابر سوژه‌های حقوق بین‌الملل عمومی یعنی دولت‌ها و افراد یا گروه‌های افراد و حتی در شرایط خاص امروزی جامعه بین‌المللی^۲ مسئول خواهد بود.

از لحاظ دیدگاه تاریخی، پس از تشکیل دولت سرزمینی^۳ و در پی بروز انقلاب صنعتی و همچنین عینیت یافتن تحولات مذهبی، اصول اولیه حقوق بین‌الملل تجلی پیدا کردند و بدین ترتیب دولت‌های با ساختار جدید، به همراه حقوقدانان آن روزگار به طرح اصول این علم نوحاسته جهت تحکیم آن اقدام کردند. از سوی دیگر، در قرن نوزدهم، به ویژه پس از استقلال دولت آمریکا، شاهد پیدایش مکانیزم‌های جدیدی به منظور حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی هستیم. در این مقطع زمانی، دولت‌ها به جای توسل به جنگ و مخاصمات مسلحانه و یا عمل مقابله به مثل به منظور جبران خسارات وارده، با انعقاد موافقتنامه‌های دو یا چند جانبه، حل و فصل اختلافات خود را به رسیدگی قضایی محول می‌نمایند.

در کنفرانس یکم و دوم لاهه (۱۹۳۰-۱۹۰۷)، دیوان بین‌المللی داوری لاهه، در پی نخستین جنگ جهانی، دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری لاهه و پس از پایان یافتن جنگ دوم جهانی، دادگاه بین‌المللی کیفری (نورمبرگ) جهت حل و فصل قضایی اختلافات تشکیل و راه‌اندازی شدند. هر چند پس از انحلال جامعه ملل و پیدایش سازمان ملل متحد، دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری لاهه، رسالت تأمین اهداف خود را به دیوان بین‌المللی

1. Pacta Sunt Servanda
2. International Community
3. Territorial State

دادگستری سپرد، این نهاد همچنان در جهت حل و فصل اختلافات حقوقی بین‌المللی فعالیت می‌نماید.

فراتر از این به منظور تحکیم چارچوب‌های مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به اهتمام مجامع عمومی سازمان ملل متحد، کمیسیون حقوق بین‌الملل و کمیسیون حقوق تجارت بین‌الملل^۱ نیز تشکیل می‌شوند. وظیفه اصلی این دو کمیسیون، تدوین^۲ و توسعه مترقیانه قواعد عرفی در بستر تحولات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اداری روابط بین‌المللی است. در این راستا، این دو نهاد وظیفه دارند تا ایجاد سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای را با صلاحیت مجازات دول ناقض تعهدات بین‌المللی در قالب تهدید به صلح، نقض صلح و تجاوز پیش‌بینی نمایند.

در این دوران، حقوقدانان به این نتیجه رسیدند که آثار و پی‌آمدهای نقض برخی از قواعد حقوق بین‌الملل، تنها در رابطه با دولت خاطی و دولت صدمه‌دیده محدود نمی‌شود و گاهی آثاری بسیار فراتر از رابطه آن دو به همراه دارد. بدین لحاظ، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در پی آن شد تا قوانین و مقررات جدیدی در رابطه با مسئولیت بین‌المللی تدوین نماید و انجام این مقصود را به کمیسیون حقوق بین‌الملل محول نمود.

به موازات این روند، دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه با رسیدگی به قضیه Barcelona Traction^(۴) - اختلاف میان دولت‌های اسپانیا و بلژیک - برای نخستین بار در رابطه با مسئولیت بین‌المللی نظرات جدیدی را مطرح کرد. با توجه به آنچه دیوان بیان نمود، در رابطه با اختلافاتی که آثار و پی‌آمدهای آنها در رابطه میان دو دولت خاطی و صدمه‌دیده مطرح می‌شود و به طور سنتی از طریق روابط دیپلماتیک قابل حل و فصل هستند، می‌توان تنها به رفع خسارت و پرداخت غرامت بسنده نمود. ولی قواعد و تعهدات بین‌المللی که نقض آنها دارای آثار جهان‌شمول است و به عبارت دیگر در محدوده Erga Omnes می‌باشد، برخوردی متفاوت را اقتضا می‌نماید. مانند تجاوز مسلحانه، کشتار دسته‌جمعی و نقض فاحش حقوق بشر.

^۱. Ansitral

^۲. Codification

با الهام از این نظریه دیوان، کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد، در خصوص تدوین اصول کنوانسیون مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای نخستین بار قائل به دو نوع رژیم حقوقی شد: الف) مسئولیت‌های ناشی از نقض قواعد حقوق بین‌الملل که آثار آن تنها در رابطه میان دولت خاطی و صدمه‌دیده محدود می‌شود.^۱ در این صورت دولت محکوم به مسئولیت بین‌المللی متعهد به پرداخت و رفع خسارت وارده خواهد بود. ب) مسئولیت‌های ناشی از نقض قواعد حقوق بین‌الملل که آثار آن جهان‌شمول می‌باشد.^۲ در این صورت ناقضان تعهدات بین‌المللی، جنایتکاران بین‌المللی خوانده می‌شوند. مانند کشتار دسته‌جمعی، نقض فاحش حقوق بشر، سیاست‌های نژادپرستی و ایجاد آلودگی‌های وسیع در دریا و فضا. دولت محکوم به مسئولیت بین‌المللی، مکلف به پرداخت غرامت و علاوه بر این مأمور دولت مستوجب بازداشت و محاکمه و مجازات در محکمه صالح خواهد بود.

مبحث یکم - تحلیل اجمالی مفاد کنوانسیون در رابطه با استناد به مسئولیت بین‌المللی در حقوق بین‌الملل

مواد کنوانسیون ناظر بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها از لحاظ شکلی و ماهوی در چهار بخش کلی تنظیم شده است. دو بخش از این مجموعه، بخش‌های سوم (تحقق مسئولیت بین‌المللی) و دوم (خصوصیات مسئولیت بین‌المللی) مورد نظر ما در این نوشتار می‌باشند. قسمت نخست بخش سوم تحت عنوان استناد به مسئولیت بین‌المللی مرکب از هفت ماده از شماره ۴۲ تا ۴۸ است.

ماده ۴۲ از موضوع استناد به مسئولیت بین‌المللی توسط دولتی غیر از دولت زیان‌دیده سخن می‌گوید. در این قسمت ما شاهد دو رژیم حقوقی مختلف در این کنوانسیون هستیم. مسایل مربوط به جوانب اجرایی چنین استنادی، از جمله تعهد به اعلان قبلی، پذیرش ادعا، موارد از دست دادن حق استناد به مسئولیت بین‌المللی، امکان طرح ادعای ورود خسارت

¹. International Delicts

². International Crimes

به دلیل ارتکاب عمل خلاف بین‌المللی از سوی گروهی از دولت‌های زیان‌دیده و همچنین حق استناد به مسئولیت بین‌المللی چند دولت در مواد ۴۳ تا ۴۷ کنوانسیون مطرح و تشریح شده‌اند.

آنچه در اینجا نیازمند دقت جدی می‌باشد این است که کمیسیون حقوق بین‌الملل بنا به ماموریت واگذار شده از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مسئولیت بررسی و تدوین رژیم نوین حقوقی ناظر بر مسئولیت بین‌المللی را داشته و لذا در پاره‌ای موارد بنا به نیاز و ضرورت‌های حاکم بر روابط بین‌المللی، بدعت در این قلمرو را از خود به جای گذاشته که بعضاً خارج از قلمرو عرف متداول و روند تحول تدریجی حقوق بین‌الملل در این زمینه بوده است. به عبارت دیگر، مواد ۴۵، ۴۶ و ۴۷ در این کنوانسیون به نحوی از انحا حقوق و تکالیف جدیدی به صورت قراردادی و خارج از قواعد عرفی برای مخاطبان خود ایجاد نموده‌اند. در ماده ۴۶ سخن از مجموعه دولت‌های زیان‌دیده و در ماده ۴۷ از مجموعه دولت‌های خاطی و مسئول آمده است. در این مواد، اساس امکان طرح دعوی علیه دولت‌های زیان‌دیده و همین‌طور دولت‌های خاطی نکته کلیدی است. مطالبه خسارات از دولت‌های خاطی باید به صورت جداگانه و در حد مسئولیت آنها صورت پذیرد. مثال بارز در این زمینه عدم حفاظت از محیط زیست و بروز آسیب‌های جدی زیست‌محیطی است.

علاوه بر این، ماده ۴۵ از یک طرف به دولت‌ها اختیار می‌دهد تا با استناد به حق خود در زمینه انصراف از استناد به مسئولیت دولت‌ها، به طور صریح و عملی اسباب سقوط دعوی را فراهم آورند و از سوی دیگر محکمه صالح، آزادی بی‌حد و حصری در اثبات و تشخیص حصول این انصراف داشته باشد. در این مورد می‌توان به قضایای مطروحه در دیوان بین‌المللی دادگستری، زمین‌های فسفاتی در نارو بین دولت‌های نارو و استرالیا در سال ۱۹۹۲^(۵) و Le Grand بین دولت‌های آلمان و ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۱^(۶) اشاره نمود.

کنوانسیون در ماده ۴۲ به تعریف مختصری از استناد به مسئولیت بین‌المللی می‌پردازد. در واقع در اینجا کمیسیون حقوق بین‌الملل در پیروی از سیستم حقوق نوشته و نه

Common Law عمل کرده و در جهت حمایت از نقش منحصر به فرد و سنتی دولت‌ها در زمینه حقوق بین‌الملل با تداعی نمودن حقوق موجود Lex Lata موارد استناد را به طرح دعوی علیه دولت توسط دولت و نیز طرح شکایت در دادگاه یا دیوان بین‌المللی محدود می‌نماید.

مبحث دوم - خواهان در یک دعوای ناظر بر استناد به مسئولیت بین‌المللی

در حقوق بین‌الملل قاعده‌ای عمومی وجود دارد که براساس آن یک قرارداد یا معاهده بین‌المللی نمی‌تواند بدون رضایت دولت‌های ثالث برای آنها ایجاد حقوق یا تکالیفی نماید. این اصل که اصطلاح لاتین آن Pacta Tertiie Nec Nocent Nec Prosunt می‌باشد، در ماده ۳۴ کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ وین نیز عیناً مدون شده است^(۷) با این حال در پاره‌ای موارد ممکن است بدون آنکه ذکر صریحی در یک معاهده بین‌المللی به عمل آمده باشد، ادعا شود که دولت یا دولت‌هایی از نتایج مفاد آن متأثر می‌شوند. مانند معاهداتی که به خاطر منافع جامعه بشریت و اصول انسانی قواعدی را که بعضاً در عرف بین‌المللی پذیرفته و تأکید شده است، مدون کرده باشند و یا متضمن مجازات‌های قانونی علیه کشور متجاوز هستند که حقوق بین‌الملل را نقض کرده باشند.

در واقع در حقوق بین‌الملل کنونی، معاهدات مدونی وجود دارند، که معاهدات چندجانبه‌ای از نوع معاهدات متعارف به شمار نمی‌روند و هدف از تنظیم آنها، تأمین منافع متقابل دولت‌های طرف آن معاهدات^۲ نمی‌باشد. موضوع و هدف اصلی برخی از معاهدات عبارت است از حمایت از حقوق بنیادین افراد هم در برابر دولت متبوع خود و هم دیگر دولت‌های عضو. در مواردی در هنگام وضع معاهدات این چنینی، دولت‌ها می‌پذیرند که خود را تسلیم نظم حقوقی کنند که به خاطر مصلحت عمومی، تعهدات متنوعی را نه در

¹. Bilateralism in the law of Treaties

². Exchange of Inter-States Interests

رابطه با دیگر دولت‌ها، بلکه در برابر جامعه بین‌المللی - با ارکان متعدد خود - به عهده بگیرند.^(۸)

توضیح آنکه به موجب ماده ۶۰ کنوانسیون وین ناظر بر معاهدات بین‌المللی ۱۹۶۹، نقض یک معاهده بین‌المللی توسط یکی از اعضا به طرف مقابل اجازه عمل متقابل می‌دهد (The Principle of Inter-states Reciprocity)، ولی براساس بند ۵ همین ماده، در مورد مقررات مرتبط با حمایت از انسان که در معاهدات دارای ویژگی انسانی و بشردوستانه مقرر شده، و به ویژه مقرراتی که هرگونه تلافی و انتقام از افراد مورد حمایت آن معاهدات را ممنوع کرده اعمال نخواهد شد.

از طرف دیگر، هنجارهای حقوقی همیشه محصول توافقات تضمینی قانونگذاران و محصول توافقات بین‌المللی نیستند. اکثر هنجارهای حقوقی امروزه به صورت عرف بین‌المللی و حتی برخی از آنها از قواعد آمره^۱ حقوق بین‌الملل به شمار می‌آیند. علاوه بر این هنجارهای غیرقابل تغییر^۲ حتی به رغم آن که در معاهدات عادی بین‌المللی نادیده گرفته شوند، لازم‌الاجرا و تخطی‌ناپذیر هستند.

همچنین دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن، از قواعد و اصول مربوط به حقوق اساسی بشر، از جمله ممنوعیت بردگی و تبعیض نژادی به عنوان مصادیق تعهدات بین‌المللی دولت‌ها نسبت به جامعه بین‌المللی^۳ نام برده است. با توجه به رای مزبور، تمامی دولت‌ها در رعایت برخی از تعهدات و تکالیف بین‌المللی، ذینفع تلقی شده و در صورت تخلف از آنها، مسئولیت بین‌المللی تنها بین دولت خاطی و قربانی مطرح نمی‌شود. بلکه از نظر رژیم حقوقی نوین، مسئولیت دولت‌ها به تناسب نوع و ماهیت تعهد در برابر همه دولت‌ها قابل استناد خواهد بود. در این نوع از تعهدات، هر یک از اعضا این امکان را داراست که در صورت نقض و تخلف از تعهدات مزبور، واکنش نشان دهد.

^۱. Jus Cogens

^۲. Peremptory Norms

^۳. Obligatio Erga Omnes

واکنشی که می‌تواند به صورت فردی و جمعی صورت پذیرد. البته در کنوانسیون مسئولیت بین‌المللی، از جامعه بین‌المللی سخن گفته شده است.

در کنوانسیون ناظر بر مسئولیت بین‌المللی، با وجود اعتراف و تأیید به قطعیت چنین تعهداتی در دنیای امروز، هیچ‌گونه راه‌کار و مبانی عملی در خصوص موارد اجرایی استناد به چنین مسئولیتی ارایه نشده است و در صورت طرح نیز نامفهوم می‌باشد. کمیسیون حقوق بین‌الملل در تهیه و تنظیم مواد این کنوانسیون به سه دسته از تعهدات اشاره می‌نماید: الف) بند الف ماده ۲۲. ب) بند ب ماده ۲۲. ج) قسمت دوم بند یک ماده ۴۸.

به علاوه، در این کنوانسیون میان دول زیان‌دیده (ماده ۴۲) و دول غیر زیان‌دیده (ماده ۴۸) تفاوت عمده‌ای به عمل آمده است. کمیسیون حقوق بین‌الملل در ارایه یک تعریف مشخص از صدمه و آسیب^۱ دقیقاً از ماده ۶۰ کنوانسیون وین ناظر بر معاهدات بین‌المللی در خصوص نقض اساسی معاهدات پیروی کرده است. زیان‌دیده بودن یک دولت در دو وجه قابل تصور است: الف) در صورتی که تعهد خاصی به موجب یک معاهده دو یا چندجانبه و قاعده کلی حقوق بین‌الملل، در مقابل دولت قربانی نقض شده باشد، مسلماً دولت مزبور زیان دیده اصلی است. ب) در صورتی که تعهد از نوع عام و جهان‌شمول باشد ولی استثنائاً نقض آن فقط به دولت خاصی یا گروهی از دولت‌ها آسیب رسانده است. در این مورد نقض معاهده تحدید آزمایش‌های هسته‌ای، نمونه جالبی است.

با توجه به اختلافی که کمیسیون حقوق بین‌الملل میان دولت زیان‌دیده و غیر زیان‌دیده در مواد ۴۲ و ۴۸ کنوانسیون مسئولیت بین‌المللی قائل شده است، این نتیجه حاصل می‌آید که در صورت نقض تعهدات جهان‌شمول مانند تعهدات حقوق بشری، دولتی خاص در مقابل این نقض، زیان‌دیده نمی‌شود. ولی آیا این برداشت صحیح است؟

نقض یک تعهد یعنی عدم انجام آن و حتی در مواردی روی‌گردانی از آن. لذا در اینجا دولتی که یک تعهد وضع شده و تثبیت شده از سوی جامعه دولت‌ها را زیر پا می‌گذارد، جایگاه حقوقی آن تعهد را دستخوش تزلزل نموده است و بدین لحاظ باید پاسخگو باشد. مگر نه این‌که اصولاً مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل ناظر بر رابطه متقابل

^۱. Injury

دو اصل وفای به عهد و لاضرر است. از سوی دیگر ما شاهد واکنش‌های متفاوت دولت‌ها به گونه‌های مختلف جهت برخورد با چنین اعمالی هستیم. در این رابطه می‌توان به توسل دولت‌ها به نیروی فشار از سوی Soft Power اشاره نمود. دولت‌ها با این‌گونه برخوردها از تمامیت و مشروعیت قاعده‌ای که وضع کرده‌اند دفاع می‌کنند. علاوه بر این، هر دولتی به روش و مصلحت خود اقدام به برخورد می‌نماید و به نوبه خود از روش ویژه‌ای استفاده می‌نماید، که این مهم نیز در کنوانسیون مسئولیت بین‌المللی مورد توجه قرار نگرفته است. در هر حال اذعان و تاکید بر وجود چنین قاعده حقوقی تحت عنوان نقض تعهد بین‌المللی در مقابل جامعه بین‌المللی و امکان استناد به مسئولیت بین‌المللی دولت خاطی از سوی هر دولتی حتی غیر زیان‌دیده از نظر حقوقی یک ابداع و نوآوری محسوب می‌شود. بهره احتمالی آن نیز، احتمال شناسایی قانونی این حق برای سایر ارکان جامعه بین‌المللی است. به موجب بند دوم ماده ۴۸، هر دولتی که بتواند شرایط مصرح در کنوانسیون مسئولیت بین‌المللی را جهت استناد به مسئولیت دولت دیگر احراز نماید، قادر خواهد بود مدعی توقف ارتکاب عمل دولت خاطی و حصول اطمینان از عدم تکرار آن و همچنین جبران خسارات وارده به خود یا ذینفع تعهد نقض شده بشود. در واقع در اینجا کمیسیون حقوق بین‌الملل با بسط دامنه حقوق ناظر بر مسئولیت بین‌المللی و پذیرش امکان جبران خسارات وارده به هر ذینفعی، طرح ادعا توسط افراد، گروه‌های افراد یا شرکت‌ها را نیز هموار نموده است.

علاوه بر این، با دقت در ماده ۴۸ این نتیجه به دست می‌آید که در صورت نقض یک تعهد جهان‌شمول در مقابل جامعه بین‌المللی، هر دولتی به طور مستقل به تشخیص حصول این نقض و توصیف عناصر آن اقدام خواهد کرد و اختیار طرح یا عدم طرح دعوی نیز علیه دولت خاطی به صلاح‌دید خود آن دولت خواهد بود. مشکل و نگرانی در اینجا، احتمال طرح شکایات صوری و نیز حصول نتایج غیرعادلانه و بهره‌برداری‌های سیاسی و انجام اقدامات یکجانبه از این دست می‌باشد.

رهیافت جدید کمیسیون حقوق بین‌الملل در رویه دولت‌ها در خصوص تبعیت از معاهدات گوناگون دیگر بین‌المللی و حتی قوانین ملی خودشان در موارد مختلف به تأیید

و تصدیق رسیده است. نویسنده مقاله با ذکر مثال‌های متعددی این مقبولیت را به اثبات می‌رساند.

مبحث سوم - استناد به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها توسط بازیگران غیر دولتی حقوق بین‌الملل

در پرتو تحولات و پویش‌های به عمل آمده در جهان امروز، تحولات عظیمی در نظام بین‌المللی به وقوع پیوسته است. در این نظام جدید، مسأله‌هایی از قبیل توجه به نقش سازمان ملل متحد، احترام به حقوق بشر، از میان برداشتن سلاح‌های کشتار جمعی، مبارزه با تروریسم، حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار اهمیت قابل توجهی یافته‌اند. در این میان پدیده‌های جدیدی نیز در این نظام به نقش‌آفرینی پرداخته‌اند و روابط بین‌المللی را متحول ساخته‌اند. حقوق بین‌الملل نوین تنها متمرکز بر نقش دولت‌ها در شکل سنتی و کلاسیک خود نمی‌باشد، بلکه سوژه‌های جدیدی مانند افراد، گروه‌های غیر دولتی و شرکت‌ها نیز پا به این عرصه گذاشته‌اند. نویسنده با اذعان به این واقعیت، مراتب امکان استناد به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را از طریق توسل به راه‌حل‌های قضایی حل و فصل اختلافات بین‌المللی از سوی افراد و بازیگران غیر دولتی در سه وجه عمده و قابل توجه به صورتی مستند به تصویر کشانده است: در زمینه حقوق بشر^(۹)، حفاظت از محیط زیست^(۱۰)، حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی^(۱۱) وی با استناد به بسیاری از موافقتنامه‌های بین‌المللی که امکان طرح دعوی از سوی فرد علیه دولت را امکان‌پذیر ساخته‌اند آینده این وضعیت خاص را که در حال حاضر به صورت Lex Specialis است، بسیار روشن و در جهت رشد و توسعه حقوق بین‌الملل ناظر بر مسئولیت بین‌المللی معرفی می‌نماید.

مبحث چهارم - کمیسیون حقوق بین‌الملل و رویکرد آن در مورد بازیگران غیر دولتی حقوق بین‌الملل

با ملاحظه گفته‌ها و نظریه‌های اعضای این کمیسیون در اجلاس‌های مربوط به تنظیم کنوانسیون مسئولیت بین‌المللی، این نتیجه به دست می‌آید که همگی آنها در خصوص امکان استناد سایر ارکان نظام حقوق بین‌الملل به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در آینده هم‌سخن بوده‌اند. در قسمت دوم کنوانسیون مزبور، اعضای کمیسیون حقوق بین‌الملل در تعریف از ویژگی‌ها و ماهیت مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به این احتمال اشاره می‌کنند. ولی متأسفانه در بخش سوم کنوانسیون که ساختار و مکانیسم اجرایی اصول کنوانسیون را معرفی می‌نماید، این واقعیت تأکید و تضمین نمی‌گردد. در واقع در این باره، کمیسیون اقدام به احاله موضوع شناسایی این حق به *Lex specialis* نموده که در این صورت تنها به شرط نقض یک تعهد حقوقی بین‌المللی، هر یک از ارکان جامعه بین‌المللی با استناد به قانون و حکم خاص دولت خاطی را محکوم خواهند نمود.

کمیسیون حقوق بین‌الملل در بند دوم ماده ۳۳ کنوانسیون، به طور صریح به افراد و بازیگران غیر دولتی اشاره می‌کند. پس کمیسیون امکان طرح ادعا مبنی بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها از سوی افراد و بازیگران غیر دولتی را به موجب موافقتنامه‌های بین‌المللی - مانند معاهدات حقوق بشری منطقه‌ای و بین‌المللی - و نیز حقوق عرفی بین‌المللی به رسمیت می‌شناسد. کمیسیون بدین ترتیب به نقش برجسته این پدیده‌ها در نظام نوین بین‌المللی نیز اعتراف می‌نماید. ولی آیا رسالت کمیسیون حقوق بین‌الملل تنها به تأیید وجود چنین حقی در زمینه حقوق موجود محدود می‌شده است؟ نویسنده در پاسخ به این پرسش اذعان می‌کند که این کمیسیون، در راستای اهداف مهم خود و همچنین نقش برجسته خود می‌توانست با تدوین موادی دیگر، مکانیسم اجرایی این حق را نیز به جهانیان بازشناساند.

در اصل دولت‌ها اسباب این تعلل و اهمال را فراهم آورده‌اند و بنابراین باید بگوییم که کنوانسیون مسئولیت بین‌المللی به دلیل عدم جامعیت و مانعیت، تداعی حقوق موجود *Lex*

Lata یا اهداف و نیات دولت‌ها است و در واقع، در توسعه حقوق بین‌الملل در زمینه مسأله مسئولیت بین‌المللی کاری صددرصد بی‌نقص انجام نداده است. ❖

پی نوشت‌ها:

1. *Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts/adopted by International Law Commission*, November 2001.
2. *American Journal of International Law*, Vol. 96 / October 2002, pp. 798-816.
3. *UN Doc.A/CN.4/SERA/1956/Add.1.*
4. *Barcelona Traction, Light and Power Co.,Ltd. (Belg.v.Spain)*, 1970, ICJ Rep.
5. *Certain Phosphate Lands in Nauru (Nauru v.Austl)*, Preliminary Objections, 1992 ICJ Rep.
6. *Le Grand case (Ger.v.U.S.)*, Merits, ICJ, June 2001.
7. *Vienna Convention on the Law of Treaties*, 1969.
۸. سید محمد قاری سیدفاطمی، «معاهدات حقوق بشری: فضایی متفاوت»، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره بیست و هشتم، ۱۳۸۲، ص ۱۴.
9. *The Optional Protocol to The Convention against Torture and Other Forms of Discrimination Against Women*, GA Res.54/4, annex (Oct.1999)
10. *North American Agreement on Environmental Cooperation*, Sept 1993, U.S.-Can.-Mex./Art.14.
11. *Convention for the Settlement of Investment Disputes Between States and Nationals of Other States*, Mar.1965. (ICSID)